



حشمت‌الله - کوهی کمالی دهکردی

وکیل پایه یک دادگستری

لزوم تأمین ضمانت اجرائی برای صلحنامه‌های تنظیمی از طرف وکلای دادگستری

انما المؤمنون اخوة فاصلحوا بين اخويكم واتقوا الله لعلكم ترحمون

(سوره ۴۹ آیه ۱۰)

بارها شنیده شده است که در پایان هر دعوائی یکی از متداعیین از دستگاه قضا ناراضی برگشته و البته او کسی جز داد باخته نمیتواند باشد. گاهی اتفاق افتاده که هر دو طرف دعوی یعنی: هم آنکس که حاکم شده و دادگاه او را محق تشخیص داده و هم آنکه تصمیم دادگاه بر ضرر او اصدار یافته است از دادرسی ناراضی و گله و شکایت آغاز کرده‌اند.

پاسخی که این ابراز ناخرسندی را توجیه و تبیین می‌کند اینست که: در هر حال هر کس محکوم شود ناراضی میباشد و چون قاضی دادگاه نیز در برابر دعوائی که باو ارائه میگردد باید اظهار نظر و اتخاذ تصمیم بکند و حق محق را تصدیق کند و به دلیل اینکه امکان جمع این دو امر خیلی نادر است و النادر کالمعدوم، از این رهگذر تناقضی بروز میکند، تناقضی که يك طرف قضیه رساندن حق به صاحب حق و طرف دوم راضی ترك کردن محضر قاضی است.

برای حل این تناقض در شریعت اسلام سفارش به صلح و سازش گردیده و در قرآن کریم در موارد عدیده امر به اصلاح ذات‌البین شده است که جهت تعظیم و اهمیت موضوع ما نحن فیه به چند آیه اشاره میگردد: «... او اصلاح بين الناس»^۲ «... يصلحا بينهما صلحا»^۳ و «... ان تصلحوا وتتقوا»^۴ و «... اصلح ولا تتبع سبيل المفسدين»^۵

(۱) مواد ۳ و ۴ آئین دادرسی مدنی

(۲) آیت ۱۱۴ از سوره نساء

(۳) و (۴) آیات ۱۲۸ و ۱۲۹ سوره نساء

(۵) آیه ۱۴۲ از اعراف

«فصلحوا بینہما بالعدل...»^۶ و «... اصلحوا ذات بینکم...»^۷ و «... وتصلحوا بین الناس»^۸ و «اہلہا مصلحون»^۹.

قانونگذار همچنانکہ با تأسیس داوری رسیدگی بہ تعداد کثیری از دعاوی را توسط داور و حکم تجویز کردہ است مقرر داشتہ تا کسی کہ مصدر قضا میشود یا وجدان قضائی ناظر بر اعمال و اتخاذ تصمیمات خود - نہ سر باز زدن از مسئولیت و نہ بغاظر از سر باز کردن اصحاب دعوی - روش پسندیدہ صلح و سازش را در ابتدای رسیدگی بہ ہر دعوائی بدو طرف توصیه کند.

قانون اصلاح پارہ بی از قوانین دادگستری کہ در خردادماہ سال ۲۵۳۶ بہ تصویب رسیدہ و اکنون امر رسیدگی بہ دعاوی در دادگاہہا برمدار و مبنای آن جریان دارد نیز داری شفا بخش صلح و سازش اصحاب دعوی را برای بہبود و سرعت بخشیدن بہ درمان بیمارگون طرفین دعوی تاکید کردہ است. نظر بہ اینکہ قانون مذکور نیاز بہ بررسی و اظہار نظر دارد تا زوایای تاریک آن بیشتر مورد مطالعہ واقع شود و پیشنہاد و ارائہ طریق در چہت بہتر استفادہ کردن از آن بعمل آید بنائاً علیہذا در این مختصر اشارہ بی زودگذر بہ مادہ ۳۱ میشود کہ اختصاص بہ صلح و سازش و فیصلہ دادن اختلاف بین طرفین دعوی توسط وکلای دادگستری، دارد.

ہرچند در مادہ ۳۴ قانون فوق الذکر از حق الوکالہ دعوائی کہ نزد وکیل و با مساعی وی بہ سازش پایان پذیرفتہ و نیز از انواع وسائل از جملہ تقدیر مادی و معنوی از وکلای کہ برای ختم دعاوی بہ سازش مساعی فوق العادہ اہراز کردہ اند، سخن بہ میان آمدہ و موکول بہ تنظیم و تصویب آئیننامہ و پڑہ ای گردیدہ است اما مسألہ بی اساسی کہ فراموش شدہ و بایستی مورد توجہ قرار میگرفت و یا لا اقل حالا باید بہ آن التفات شود اعتبار قانونی و ضمانت اجرائی صلحنامہ یا گزارش اصلاحی است کہ در دفتر وکیل با صرف وقت و کوشش او صورت میگیرد و کلیہ وظیفہ دادگاہ بدان وسیلہ انجام مینماید و در واقع این طریقہ رفع تنازع ابتکار و ابداع تازہ بی مقنن برای احیاء و بازیابی قسمت چہارم از اقسام تنظیم صلحنامہ میباشد کہ در قانون اصلاح پارہ بی از قوانین اعمال قانونی آن از یاد بردہ شدہ است.

اینک بہ بررسی و مقایسہ بی وضع فعلی این تأسیس سودمند حقوقی و حالتی کہ اگر اعتبار آن با صلحنامہ بی رسمی و گزارش اصلاحی دادگاہہا یکسان مینماید با توجہ بہ حکمیت و آثار قانونی حکم داور، میپردازیم و در پایان پیشنہاد اصلاح و تکمیل حکم مادہ مورد بحث ارائہ و از نظر خواهد گذشت.

در بررسی نہاد قضائی یا تأسیس حقوقی صلح و سازش با دخالت وکیل و دادگستری فرضہای متعددی میتوان طرح و مورد بحث قرار داد کہ مختصراً عبارتند از:

- (۶) آیہ ۱۱۷ از سورہ ہود
- (۷) آیہ ۱ از سورہ انفال
- (۸) آیہ ۲۲۴ از سورہ بقرہ
- (۹) آیہ ۹ از سورہ ق

نخستین فرض آن است که صلحنامه تنظیمی از طرف وکیل مطابق مواد قانون آئین دادرسی مدنی از نوع سازشنامه‌ی تنظیم شده در خارج از دادگاه محسوب شود که فاقد هرگونه ارزش قانونی می‌باشد و باید در جلسه‌ی دادگاه مطرح و در صورت مجلس دادگاه قید گردد تا آثار قانونی بر آن مترتب شود. چه فایده‌ای برچنین سازشنامه‌ای مترتب است؟ در حالی که قبلاً هم - بدون وجود مواد ۳۱ و ۳۴ مورد بحث وضع بهمین منوال بوده. در اینصورت حکم ماده ۳۱ به کیفیت کنونی امری زائد و عمل به آن فاقد هرگونه سودی در پایان بخشیدن به مرافعات بدون صرف وقت زیاد و طول زمان می‌باشد.

در اینجا دو پرسش مطرح میشود اولی اینکه: هرگاه ماده ۳۱ مزبور بطور کامل و مستقل ارزش قانونی سند رسمی را به صلحنامه‌ی تنظیم شده نزد وکیل ندهد فلسفه‌ی وضع و تصویب این ماده چه میتواند باشد؟ و دیگر اینکه تأکیدی که قانونگذار در عملی کردن قطع خصومت ارباب رجوع باین ماده دارد از چه جهت است؟

پاسخ سؤال اول را نوشته دو نفر از بنیانگذاران دادگستری و مؤلفان و شارحان حقوق مدنی: مرحوم مصطفی عدل (منصور السلطنه) در ورود به بحث صلح مینویسد: «۷۹۰ - برای رفع تنازع و قطع خصومت سه طریق حل موجود است که در رأس آنها اصلاح ذات‌البین می‌باشد، دو طریق دیگر عبارتست از توسل به حکومت حکم و اقامه دعوی در محاکم، و غالباً متخاصمین عاقل و با تجربه جهد میکنند که تنازع خود را بطریق صلح قطع نمایند زیرا که همیشه ختم دعوی باین طریق کم‌خرج‌تر و آبرومندتر است...»^{۱۰}

مرحوم شیخ محمد عبده در مقدمه‌ی شرح بر عقد صلح می‌نویسد که: «وقتی که شخصی برای خود حقی قائل باشد ممکن است کورکورانه بدون رویه و عاقبت‌اندیشی باقامه دعوی در دادگستری مبادرت جسته و خود را گرفتار پیچ و خم محاکم نماید در حالی که معلوم نیست که بعد از زحمات طاقت‌فرسا و مصارفی که از هر طرف باو تحمیل میشود موفق به اثبات دعوی خویش گردد و بر فرض اگر بعد از تحمل رنج فراوان حکمی برحقانیت خود گرفت از کجا با مشکلات دیگری که هرکس سروکارش بعد از افتاده از آن آگاه است مواجه نشود! با اینحال آیا بهتر نیست که هر صاحب‌حقی از اول با طرف سازش کرده و بطریق صلح به خصومت و اختلاف فیما بین خاتمه داده و خود را در این ورطه نیندازد؟»

مراجعه‌کنندگان بدادگستری نه فقط صرفه نبرده و از نظر مادی متضرر میشوند بلکه رفته رفته اخلاقشان فاسد شده و نه دیگر بدرد خود خواهند خورد نه بدرد جامعه زیرا مردم را بخصومت و ناسازگاری تشویق میکنند و لذا صادقین صلوات‌علیهم ترغیب و تحریض بصلح فرموده‌اند و بر اثر گفته‌های آنها الصلح خیر، مثل سائر شده

اما رؤس پاسخ پپرسش دوم را - بدون اینکه محدود به سه بند زیر باشد - میتوان چنین ترسیم کرد:

- ۱- انتقال تدریجی قضاوت مقامات رسمی در جامعه و حل و فصل دعاوی بطور طبیعی و بر مراد و تراضی صاحبان اختلاف.
- ۲- قطع آثار خصومت با اصلاح ذات‌البین و ایجاد حسن تفاهم و صلح و صفا میان متداعیین.
- ۳- کاستن کار دستگاه قضا بمنظور ایجاد فرصت رسیدگی در سطوح عالیتر که نیاز بتجربه و تخصص بیشتر دارد.

آیا نیل و وصول به اهداف مذکور با وضع و تصویب ماده ۳۱ پیش گفته میسر شده است؟ البته جواب منفی است. چرا که در دومین فرض هرگاه يك یا هر دو طرف از اجرای مفاد سازشنامه‌ی تنظیمی با وساطت و کیل سر باز زنند چگونه میتوان با صلحنامه غیررسمی اجبار ممتنع را با اجرای آنچه ضمن قرارداد صلح به عهده گرفته خواستار شد؟! و آیا وکیل می‌تواند صورت‌مجلس اصلاحی را به دادگاه ارائه دهد و دادگاه اعتبار گزارش اصلاحی بر آن نهد و بر مبنای آن اقدامات بعدی جریان یابد و حق الزحمه جلساتی را که وقت و کلیه وسائل دفتر وکیل مصروف بوجود آوردن محیط حسن تفاهم و تهیه صلحنامه شده است مطالبه کند؟ پاسخ این سؤال نیز با فقدان ضمانت اجرائی ماده ۳۱ مثبت نخواهد بود. ناچار هر يك از طرفین - در صورتی که بقصد فصل اختلاف به تراضی و سازش باقی باشند - به مراجع صالح برای رسیدگی مراجعه کنند ولی عموماً به طرح دعوی در محاکم مبادرت میکنند در این صورت نه تنها رسیدن حتی به یکی از هدفهای سه‌گانه پیش گفته امکان‌پذیر نشده بلکه اسباب سنگین‌تر شدن کار دادگاه‌ها فراهم گردیده است.

از توضیحات بالا منحصرأ به این نتیجه می‌رسیم که ماده ۳۱ مورد بحث بدون داشتن ضمانت اجرا موجب تسریع در پایان بخشیدن بدعاوی با نیکوترین وجه که مراجعه کنند ولی عموماً به طرح دعوی در محاکم مبادرت میکنند در این صورت نه تنها و برعکس بر مشکلات فعلی می‌افزاید و سبب بی‌نظمی و گاه دوباره کاری میشود. چه اشکال مختلف صلحنامه که بر طبق مواد مندرجه در باب هفتم آئین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده و توسل بآن باعث مختومه شدن دعاوی با رضایت صاحبان آنها می‌گردد باین دلیل است که هر يك دارای ضمانت اجرائی به شرح زیر هستند:

در ماده ۶۲۶ قانون آئین دادرسی مدنی سه صورت از سازش بر شمرده شده است که عبارتند از: «سازش دعوی بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع میشود یا در دادگاه و نیز ممکن است سازش در خارج از دادگاه واقع شده و صلحنامه غیررسمی باشد.»

در مواد ۶۲۷ تا ۶۳۱ اثر قانونی و ضمانت اجرای هر یک از اقسام مصالحه آمده است که: «هرگاه سازش در دفتر اسناد رسمی واقع شده باشد دادگاه ختم امر را بموجب سازش در پرونده کار قید مینماید و اجرای آن تابع مقررات راجع باجبرای مفاد اسناد لازم الاجرا خواهد بود. و «هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، دادگاه پس از خواستن توضیحات لازم نسبت بموضوع سازش و شرایط آن، سازش را به ترتیبی که واقع شده است در صورت مجلس نوشته و این صورت مجلس بامضای دادرس دادگاه و طرفین می‌رسد.» و «هرگاه سازش در خارج از دادگاه واقع شده و صلحنامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار نمایند. اقرار طرفین باید در صورت مجلس نوشته شود و بامضای دادرس دادگاه و طرفین میرسد. در صورت عدم حضور طرفین در دادگاه بدون ذکر عذر موجه دادگاه بدون توجه بمندرجات سازشنامه مزبور دادرسی را ادامه خواهد داد.»

«مفاد صلحنامه که... تنظیم میشود نسبت بطرفین و وراث و قائمقام آنها نافذ و معتبر است و مانند احکام دادگاههای دادگستری بموقع اجرا گذاشته میشود اعم از اینکه مورد سازش، مخصوص بدعوی مطروحه بوده یا شامل دعاوی یا امور دیگری باشد.» و «هرگاه سازش نشود گذشتہائی که طرفین هنگام تراضی بسازش کرده‌اند لازم‌الرعايه نیست.»

همچنین قانون آئین دادرسی مدنی در ماده‌تین ۶۵۹ و ۶۶۲ قابلیت اجرای صلحنامه‌یی را که در خارج از جلسه‌ی دادگاه تنظیم و تنسیق یافته و بامضای داور رسیده باشد با وجودی که «داورها در رسیدگی و رای، تابع اصول محاکمه نیستند»^{۱۲} باین عبارت مقرر داشته است که:

«در صورتیکه داورها اختیار صلح داشته باشند میتوانند دعوی را بصلح خاتمه دهند در اینصورت صلحنامه‌ایکه بامضای داورها رسیده باشد قابل اجرا خواهد بود. هرگاه محکوم‌علیه تا ده روز بعد از ابلاغ حکم باو طوعاً حکم را اجرا نکرده دادگاه ارجاع‌کننده دعوی بداور و دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد مکلف است بدرخواست طرف ذینفع برطبق رای داور برگشت اجرائی صادر کند.»

چنانچه ملاحظه میشود قانونگذار ضمن مواد مشروحه‌ی فوق - برخلاف ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره‌یی از قوانین دادگستری - آثار اعتبار قانونی و ضمانت اجرای هر یک از اقسام سه‌گانه سازشنامه و صلحنامه‌ی داور و تکلیف دادگاه و طرفین دعوی را بدون ابهام بیان کرده است. بنابراین برای تنفیذ مصالحه اصحاب اختلاف با دخالت وکیل نیز لازم است که برسازش و سازشنامه‌یی که انجام میگیرد اثر و اعتبار اجرائی گزارش اصلاحی داور مترتب شود تا این تأسیس بتواند از کثرت دعاوی و کار دادگاهها بکاهد و بافراهم آمدن رضایت مدعی و مدعی‌علیه در فصل خصومت آنان جلب اعتماد و خوش‌بینی آنها نسبت به دادگستری تحصیل گردد. همچنانکه برابر

(۱۲) ماده ۶۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی

بند آخر ماده ۶۰ قانون آئین دادرسی مدنی: «هرگاه موکل بعلت ضیق وقت یا علت مهم دیگری نتواند وکالتنامه را بگواهی یکی از اشخاص یا مقامات مذکور در این ماده برساند و امضاء او نزد مرجع مربوط هم معروف نباشد و انتظار برای تصدیق و امضاء موجب از بین رفتن حقی باشد، وکیل می‌تواند ذیل وکالتنامه تأیید کند که وکالتنامه را موکل او شخصاً در حضور او امضاء یا مهر کرده یا انگشت زده است.» و تصدیق مطابقت رونوشت اسناد موکل با اصل که طبق بند آخر ماده ۷۴ آئین دادرسی مدنی مقرر شده است که: «... علاوه بر اشخاص و مقامات مذکور، وکلاء اصحاب دعوی نیز میتوانند مطابقت رونوشت‌های تقدیمی خود را با اصل تصدیق کرده، پس از الصاق تمبر مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی بمرجع صالح تقدیم نمایند.» بسرعت جریان امور دادرسی افزوده است دلیلی وجود ندارد که صلحنامه‌ی منتظم اصحاب دعوی نزد وکلای دادگستری از گزارش اصلاحی داور ارزش کمتری داشته باشد تا چه رسد باینکه ثبت مجدد در صورت‌مجلس دادگاه به آن اعتبار قانونی و اجرایی ببخشد علیهذا پیشنهاد می‌شود که ماده ۳۱ قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری بصورت زیر تکمیل گردد:

ماده ۳۱ وکلای دادگستری باید در دعاوی حقوقی و یا دعاوی جزائی که با گذشت شاکی، تعقیب قانونی موقوف میشود قبل از اقامه دعوی سعی نمایند بین طرفین دعوی سازش دهند و انجام این وظیفه را در دادخواست و یا ضمن دفاع تصریح نمایند همچنین بعد از طرح دعوی و در جریان رسیدگی نیز مساعی خود را در این زمینه معمول دارند. صلحنامه‌ای که در این خصوص تنظیم میشود پس از امضای طرفین دعوی و تصدیق صحت وقوع در حضور وکیل دادگستری اعتبار قانونی سازشنامه در دادگاه موضوع ماده ۶۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی را دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کتابخانه دیجیتال

کتابخانه دیجیتال